

مطالعه عملکرد روش شناخت چند دانشی با معماری و مزایای بهره‌گیری از آن در طراحی

پیمان کرملی

دانشجوی دکتری مهندسی معماری، دانشگاه آزاد واحد بروجرد، لرستان، ایران

چکیده

مقاله‌ای که به روش شناخت چند دانشی معماری می‌پردازد، به بررسی روش‌هایی می‌پردازد که از ترکیب دانش‌های مختلف برای طراحی و توسعه معماری استفاده می‌کنند. این روش‌ها از دانش‌های مختلف از جمله دانش تجربی، دانش منطقی و دانش فرآیند استفاده می‌کنند تا بهبود در عملکرد و کارایی معماری دست یابند. در این مقاله، مزایای استفاده از روش شناخت چند دانشی در معماری برجسته شده و نحوه بهبود عملکرد، کاهش هزینه و زمان توسعه سیستم‌ها با استفاده از این روش بررسی شده است. برای شناخت لایه‌های پنهان و پیدای معماری و معماری ایران به شناختی چند دانشی نیاز است. برای نیل به این هدف بایستی ۳ عامل را مورد بررسی قرار دهیم که عبارت‌اند از: گونه شناسی، انسان‌شناسی و معناشناسی معماری. گونه و گونه شناسی از مباحث مهم معماری در دوره معاصر است. شاید بتوان از لحاظ اهمیت این موضوع را در کنار دو موضوع مهم دیگر مباحث نظری معماری یعنی فضا و شکل یا فرم قرار داد. گونه و گونه شناسی حدود دویست سال است که در علوم گوناگون از جمله معماری کاربرد دارد. انسان‌شناسی علمی‌ترین رشته علوم انسانی است و به تعریف این تعریف محیط ساخته شده‌ای که ما به‌عنوان انسان آن را خلق کرده و در آن زندگی می‌کنیم خود سازنده زندگی ماست. این فضای ساخته شده مبتنی بر توان فکری محدود ماست بدین معنا که بشر در طول تاریخ حیاتش بر اساس میزان دانش و تکنولوژی خود توانسته محیط مصنوع پدید آورد که بتواند در آن بیارامد و هر زمان که دانش و فناوری‌اش اجازه داده محیط مناسب‌تری را برای زندگی فراهم آورده است. نشانه‌شناسی معماری یکی از راه‌های فهم و کشف معنا در مورد بررسی و مطالعه قرار «بافت» یا «زمینه» و «متن» محیط زندگی انسان است، بنابراین معماری به‌مثابه‌ی یک می‌گیرد؛ و نحوه‌ی دلالت نشانه‌ها و معانی موجود در آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد. با بهره‌گیری از این ۳ علم با شیوه زندگی باورها، آیین‌ها، الگوها و عادات رفتاری فرهنگ استفاده از اشیاء و همچنین در ارتباط با معناهای آن‌ها در بستر فرهنگ سرزمین برای یک جامعه و در ساحت روان‌شناختی برای هر انسان فهمیده شود.

واژه‌های کلیدی: معماری، گونه شناسی، انسان‌شناسی، معناشناسی معماری، چند دانشی معماری

۱- مقدمه

معماری چند دانشی به‌عنوان یک روش نوین در طراحی و ساخت ساختمان‌ها و فضاهای شهری، به دلیل مزایای بسیار زیادی که ارائه می‌دهد، توجه بسیاری از محققان و متخصصان را به خود جلب کرده است. این روش، با استفاده از دانش‌های مختلف از جمله معماری، شهرسازی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، محیط زیست و انسان‌شناسی، به منظور طراحی و ساخت فضاهای شهری و ساختمان‌های هوشمند و پایدار استفاده می‌شود [4]. با بهره‌گیری از روش شناخت چند دانشی در معماری، امکان پذیر است که علاوه بر طراحی فضاهای جذاب و منحصر به فرد، نگرش جامع تر و همگام با نقش‌آفرینان شهر (جامعه علمی-فکری-فرهنگی) در پروژه‌ها تأثیرگذار باشد. همچنین با به کارگیری دیدگاه چند دانشی در طول فضا سازی، تأثیرات بالقوه پذیری در حالات مختلف قابل تأثیرگذاری باشند. [2]

انسان‌شناسی علمی‌ترین رشته علوم انسانی است و به تعریف این تعریف محیط ساخته شده‌ای که ما به‌عنوان انسان آن را خلق کرده و در آن زندگی می‌کنیم خود سازنده زندگی ماست. این فضای ساخته شده مبتنی بر توان فکری محدود ماست بدین معنا که بشر در طول تاریخ حیاتش بر اساس میزان دانش و تکنولوژی خود توانسته محیط مصنوع پدید آورد که بتواند در آن بیاورد و هر زمان که دانش و فناوری‌اش اجازه داده محیط مناسب‌تری را برای زندگی فراهم آورده است. [5]

هدف اصلی رویکرد تاریخی در نگاه به یک بنا، تعیین تاریخ آن است. مشخص شدن تاریخ بنا به معنای شناخت شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بنا است. در واقع شناخت تاریخ یک اثر به معنی پیوند دادن آن با گذشته‌ی اثر است. از صاحب نظران این رویکرد معماری وینکمن، معمار و باستان‌شناس آلمانی را می‌توان نام برد. [1] هدف پیروان این رویکرد، جنبه‌های زیبایی‌شناسانه‌ی فرم است. تناسبات، پر و خالی و ترکیب بندی و گونه‌شناسی فرم مورد توجه این رویکرد است. از متفکران این رویکرد می‌توان به لویی دوران، کلاوس هردگ (ساختار و شکل در معماری ایران و ترکمنستان) راب کرایر (ترکیب بندی معماری) و استدمن (مورفولوژی معماری) اشاره کرد. [3]

۱-۱- بیان مسئله

معماری سیستم‌های چند دانشی به‌عنوان یک روش مورد توجه قرار گرفته است که امکان بهره‌گیری از دانش‌های مختلف و تنوع زیادی را برای حل مسائل پیچیده فراهم می‌کند. این روش به‌عنوان یک راه حل برای مسائلی که نیاز به دانش‌های متفاوت و تخصصی دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مزایای بهره‌گیری از آن: افزایش کارآمدی: با استفاده از دانش‌های مختلف و تنوع زیاد، سیستم‌های چند دانشی قادر به حل مسائل پیچیده با کارآمدی بالاتر و در زمان کوتاه‌تر هستند. افزایش دقت: با تجمع دانش‌های مختلف، سطح دقت در حل مسائل افزایش می‌یابد و خطا در تصمیم‌گیری کاهش پیدا می‌کند. افزایش نوآوری: استفاده از دانش‌های چندگانه منجر به پیدایش راه‌حل‌های نوین و خلاق برای مسائل پیچیده شده و نوآوری در فضای کسب و کار را ترویج می‌کند. [5]

واژه تیپولوژی یا گونه‌شناسی در فرهنگ غربی از ریشه در فرهنگ غربی از ریشه کلمه تایپ گرفته شده است. واژه تایپ نیز خود برگرفته از ریشه یونانی تپس و تیپس در زبان لاتین است. در زبان انگلیسی معادل واژه‌های مدل، نمونه، فرم، دسته، نماد و ویژگی قرار دارد. این واژه با دیگر واژه‌ها ترکیب شده و واژه‌های ترکیبی نو را بوجود آورده است. هر کدام از این واژه‌ها بار معنایی خاص خود را دارند. برای نمونه واژه ارک تایپ هم در فلسفه و روانشناسی به معنای الگوی آغازینه یا کهن‌الگو، خصیصه و شی است که سرشت آمده است. در روانشناسی یونگ به معنای‌آمندر زمان‌های بسیار دور در پندار آدمی شکل گرفته و در اثر گذشت زمان مبدل به یک کد ژنتیک شده است و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. البته لازم به ذکر است که این معنی نسبت به نگاه کاربر آن قابل تغییر است. [8]

موضوعاتی چون قوم‌شناسی و مطالعه محیط‌های سنتی منجر به نتایج مهمی چون انتشار دایره‌المعارف معماری بومی جهان توسط دانشگاه بریکلی شد که هزار گونه معماری را در سه مجلد مورد بررسی قرار می‌داد هدف اصلی این کتابسندیت دادن

جهانی به معماری سنتی و طبقه بندی آن براساس ضوابط انسان شناسانه بود این کتاب زیبایی شناسی های سنتی و تنوع اشکال گسترده معماری به ویژه معماری مسکن را در فرهنگهای متنوع دنیا به نمایش می گذارد. [6]

انسان شناسی طبق تعریف این علم به ما کمک می کند که بازتابهای حرکت و رفتار انسان در هر زمینه ای که فعالیت می کند را به صورت ضوابطی درآوریم که به اندازه و تناسب در می آیند و روی فضاهای ساخته شده گاهی کالبدی و نه الزاماً روانشناختی فضا اثر گذاری می کنند. [7]

۲- مبانی و پیشینه پژوهش

مقاله حاضر به بررسی روش شناخت چند دانشی در معماری می پردازد و مزایای استفاده از این روش را بررسی می کند. این روش به معماران امکان می دهد تا با استفاده از دانش های مختلف، از جمله دانش فنی، هنری، فرهنگی و اجتماعی، به طراحی و ساخت ساختمان های بهتر و کارآمدتر بپردازند. به عنوان یک روش تحقیقاتی، شناخت چند دانشی به معماران کمک می کند تا به صورت جامع و گسترده تر به طرح و طراحی ساختمان ها نگریسته و عوامل مختلف آن را در نظر بگیرند. این روش باعث می شود تا ساختمان های طراحی شده، نه تنها از نظر فنی و علمی کامل باشند، بلکه با فضای هنری و فرهنگی همخوانی داشته باشند. [2]



نمودار شماره ۱: انواع رویکرد معماری، [2]

۲-۱- گونه شناسی در معماری

اشاره و توجه به گونه شناسی در نوشته های قدیمی از حدود دو هزار سال پیش به این طرف در آثار نویسندگان معمار و دیگر دانشمندان دیده می شود. ویتروویوس در اثر مشهور خود تحت عنوان ده کتاب معماری از حدود ۲۰۰۰ سال پیش گونه های مختلف بناهای یونانی شامل خانه ها، معابد و ساختمان های عمومی را گروه بندی نموده است. هر کدام از اینها نیز به زیر گروههایی تقسیم شده اند. برای نمونه خانه ها به دسته های حیاط دار و بدون حیاط و یا براساس مکان قرارگیری آنها در شهر و روستا آمده است. [7]

حدود ۲۵۰ سال است که گونه شناسی در حوزه علوم مطرح شده است. دسته بندی علمی لینه سوئدی در علم گیاه شناسی باعث شد که دیگر دانشمندان نیز به این اقدام دست بزنند و از اواخر قرن هجدهم میلادی به معماری نیز سرایت نماید. در

علوم دیگر مانند زیست‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، ریاضیات و علوم دیگر گونه‌شناسی جایگاهی خاص دارد. نمونه مهم آن در تغییر تدریجی انواع در علم زیست‌شناسی دیده می‌شود که به آن خواهیم پرداخت. دست‌یابی به گونه‌های دارای یک ریشه واحد زیستی و دسته‌بندی آن‌ها از اهداف مهم زیست‌شناسان تکامل‌گرا مانند داروین بوده است. [11]

از دهه ۱۳۶۰ خورشیدی گونه‌شناسی یکی از موضوعات مورد علاقه دو سازمان دولتی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمان تحقیقات ساختمان و مسکن شد. یکی از ویژگی‌های اهداف سازمان‌های یاد شده که در نوع خود در ایران نو به شمار می‌آید بهره‌گیری کاربردی از گونه‌شناسی بود. چنین هدفی از طرف برخی از مدارس معماری غرب بخصوص مدرسه موراتوری ایتالیا دنبال شده است با این تفاوت که مبانی نظری گونه‌شناسی در مدرسه ایتالیایی بسیار قوی‌تر است. هر دو سازمان یاد شده هدف اصلی خود در مطالعات گونه‌شناسی را دستیابی به الگوهای مناسب برای طراحی ذکر نموده‌اند. [10]

می‌توان گفت اندیشه دسته‌بندی بناها بر اساس وجوه مشترک آن‌ها از حدود سه دهه پیش در ایران شکل گرفته است. این موضوع بطور جدی نخست در دانشکده‌های معماری و شهرسازی مطرح شد و ارشد بود. در کنار این فعالیتها محصول آن چند پایان‌نامه کارشناسی می‌توان به مطالعات جغرافیایی درباره شهرها و روستاهای ایران اشاره کرد. گونه‌شناسی یا "نمون‌شناسی" بخشی از این مطالعات را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه انتظار نمی‌رود تمرکز جغرافی دانان بر روی موضوعات معماری عمیق باشد، معمولاً گونه‌شناسی توصیف‌های یک بنا را شامل می‌شود. یکی از این مطالعات ساده‌ای از ویژگی‌های درباره مسکن در روستای کندوان صورت گرفته است. ویژگی‌های کلی خانه‌های صخره‌ای این روستا مانند تعداد طبقات، فضاهای بسته مانند انباری طویله و جزء عناصر مانند ورودی و طرز قرارگیری اشیاء داخلی مورد بررسی قرار گرفته و توصیفی از آن‌ها ارائه شده است. [11]

یک شیء هنری با مصالحی خاص می‌بایست بهترین کارکرد را می‌داشت و هنرمند با ذوق و تجربه خود با استفاده از ابزارهای مختلف مانند تزیینات، به آن بار معنایی می‌داد. هر چند شاید بتوان برخی از ویژگی‌های اجتماعی را از طرح و کارکرد شیء مورد نظر باز شناخت، اما در بنا روابط اجتماعی مردمان آن زمان را به شکلی روشن‌تر می‌توان خواند. سازنده و یا معمار بنا هر چند که یک شکل واحد را بوجود می‌آورد اما برای رسیدن به این شکل واحد فضاهایی را در کنار هم انتظام داده است. بنا، به‌مثابه خلق فضاها به وسیله اجزاء و عناصر است. این فضاها جهت کارکردهای خاص برای مردم یا مصرف‌کنندگان آن‌ها شکل می‌گیرند. هر فضا نوعی ارتباط خاص بین مصرف‌کننده و فضای مورد نظر را بوجود می‌آورد. [7]

جدول شماره ۱: انواع پارامترهای مهم در بحث گونه‌شناسی [8]

ردیف	توضیح
۱	انواع الگوهای فضایی باز بسته و پوشیده؛
۲	انواع حریم‌ها و فضاهای بینابینی؛
۳	انواع شیوه‌های بسط و گسترش فضا بسط فضایی نوری و چشم‌اندازی؛
۴	انواع خط آسمان؛
۵	انواع فضاهای یک‌رو دو‌رو چندرو
۶	انواع حضور نور در فضا؛
۷	انواع ارتفاع در فضاها
۸	انواع دیوار و جداکننده؛
۹	انواع نقش‌بدنه‌ها در تعریف گونه‌های فضایی
۱۰	انواع نماهای بدنه‌های داخلی و خارجی
۱۱	انواع فضاهای عبوری دور حیاط‌های دو طبقه
۱۲	انواع فضاهای ورودی از بیرون به درون
۱۳	انواع ایوان و ایوانچه
۱۴	انواع فضاهای بسته؛

انواع همجواری فضاهای بسته؛	۱۵
انواع اتصال جزء فضاها	۱۶

۲-۲- انسان‌شناسی در معماری

انسان‌شناسی به بازشناسی ریشه‌های هر رده از انسانها می‌پردازد و هدف آن این است که انطباق‌های انسان و محیط و دگرگونی‌های شکلی، اندامی انسان در ارتباط با محیط و اقلیم را بررسی می‌کند و تغییرات شاخص‌های کالبدی انسان در طول زمان و اثر آن بر روی آن یا تاثیر معماری روی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و مردم‌شناسی به بازتاب فضاهای ساخته شده به روی انسان و پیچیدگی‌هایی که در ذات خود دارد می‌پردازد [11].

مردم‌شناسی به فضاهای ذهنی انسانها، رفتار و سلیقه آن‌ها می‌پردازد. مردم‌شناسی داوری نمی‌کند بلکه صرفاً برداشت می‌کند؛ اما انسان‌شناسی یا مردم‌شناسی به کدامیک از اینها بیشتر به حوزه معماری کمک می‌کنند؟ این بحث دیگری است ولی موضوع تشخیص مردم‌شناسی از انسان‌شناسی است.

اگر بخواهیم به تولیدات معماری در قرن بیستم بپردازیم، می‌توانیم بگوییم آن معماری‌هایی که به دهه بعد از دوم و سوم قرن گذشته یعنی ۱۹۲۰ یا ۱۹۳۰ به این طرف زاده شده‌اند و به‌عنوان بهترین معماری‌ها در دنیا مطرح گشته‌اند، معماری‌هایی بودند که خیلی بیشتر به مسائل انسان‌شناسی تکیه می‌کردند و نه لزوماً به مسائل مردم‌شناسی فرهنگی بنابراین یک معمار ناسیونالیستی و متکی از خود زاده شده و خیلی سریع فراگیر شد و بسیار با اندیشه‌هایی که زاده شده و زاینده مارکسیسم بودند انطباق داشت. جنگ‌های جهانی به این امر که انسانها کمتر به مسائل فرهنگی بپردازند؛ مانند معماری‌هایی که امروزه در کشورمان شاهد آن‌ها هستیم. هر زمان تلاش می‌کنیم معماری را با ارزشترین قیمت به پایان بریم متوجه می‌شویم که از ذات معماری فاصله گرفته‌ایم. ما نمی‌توانیم معماری را تولید و به مصرف‌کننده تحویل دهیم [7].

معماری‌هایی که ما در ایران به دنیا آورده‌ایم از فرهنگ خود ما سرچشمه نگرفته‌اند. مدرنیسم هرگز از میان نرفته است. مدرن همیشه وجود دارد و گرایش به مدرن نیز در دنیا وجود دارد. واژه مدرن متشکل از دو بخش است: ۱- مدا ۲- ارنا که اروپایی‌ها از ۱۸۰۰ سال پیش تا کنون دارند با آن زندگی می‌کنند. مدا به معنای شکل و ارنا به معنی زمان است. ما باید به دنبال بازشناسی جمعی ویژگی‌های انسان که هم از معماری بر می‌خیزند و هم بر معماری اثر می‌گذارند بپردازیم [9].

محیط ساخته شده‌ای که ما به‌عنوان انسان در آن زندگی می‌کنیم از اهمیت بسزایی برخوردار است. منظر معماری عمیقاً سازنده‌ی زندگی ماست. از جهتی دیگر، معماری، همانگونه که امروز در محیط‌های شهری شده‌ی ما ایجاد شده، به همان صورت مبتنی بر دانش بسیار محدود ماست. "نظریه‌ی معماری" پست مدرن بوسیله‌ی تاریخ هنر قرار دادی تعیین شده است. مفهوم کم‌دامنه‌ی این نظریه از ارزشهای زیبایی‌شناسی، مانع تحقیقات و استدلال‌های علمی و با قضاوت‌هایی از سر سلیقه‌ی ذهنی، شده است. وضعیت فراخ‌تر انسان، یکپارچه نیست. بشر تنها به گونه‌ی حاشیه‌ای به‌عنوان مصرف‌کننده آشکار و با نیازهای کارکردی استاندارد شده، به نمایش درآمده است. در نتیجه، انسان‌شناسی معماری این امر را که افق‌های نظری بایستی گسترده‌تر شود، حفظ کرده است. اصطلاح معماری در مسیرهای جدیدی بوسیله‌ی ادغام در ابعاد انسان‌شناسانه همچون، توجهات نخستین‌شناسی و انسان‌شناسی باستان‌شناختی، تعریف شده است. بنابراین این اصطلاح معماری اشاره دارد بر: هر آنچه که انسان‌ها و روابط زیستی آن‌ها ساخته و می‌سازند [10].

انسان‌شناسی معماری دانشی است که چگونگی ارتباط میان زندگی - با همه گستردگی آن - را با معماری بر ما آشکار میکند از منظر دانش انسان‌شناسی معماری هرگونه سازماندهی فضا توسط انسان و گروه‌های انسانی معماری محسوب میشود و بدون آنکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد همه آن انواع قابل مطالعه است معماری پدیده‌ای انسانی و حاصل تعامل انسان و فرهنگ انسانی با محیط در مکانها و زمانهای گوناگون است. معماری به طور مستقیم با شیوه زندگی و تغییرات شیوه زندگی در ارتباط است و با خوراک، پوشاک، اشیاء، الگوها و عادات رفتاری باورها و آیین‌ها پیوند دارد نظامات اجتماعی دارای ما به ازاهایی در سازمان‌یابی فضا در شهرها و بناها هستند [12].

به این ترتیب به کارگیری دانش انسان‌شناسی معماری برای شناخت معماری ایران این امکان را فراهم می‌آورد تا انواع پاسخهای فضایی فراهم شده برای شیوه زندگی و تحولات آن انواع پاسخ های فضایی به قلمرو عمومی و خصوصی حریم ها انواع مصداقهای فضایی برای مفاهیم فرهنگی چگونگی ارتباط سازمان فضایی با آیین‌ها و مناسک و انواع پاسخ های فضایی برای نیازهای عاطفی و روانی که در معماری ایران در طی سالها مورد استفاده و آزمون قرار گرفته است شناسایی شوند شناسایی این الگوهای فضایی راه را برای طراحی کردن با بهره مندی از دانش معماری ایران و تجربه آزمون شده این معماری در این سرزمین در پاسخگویی به شیوه زندگی و روابط اجتماعی هموار میکند. کریستین برومبِرژه از اولین پژوهندگانی است که با این بیان به شرح معماری روستایی گیلان پرداخته است [10]

۲-۳- معناشناسی در معماری

با توجه به اهمیت مفهوم شناخت در یک نظریه معناشناختی، لازم است قبل از ورود به محتوای نظریه، به تعریف مکتب اسلام از ادراک و شناخت توجه لازم صورت پذیرد. طبق تعریف حکمای اسلامی، شناخت و ادراک یک اثر عبارت است از "الصورة الحاصلة من الشيء عند العقل: صورتی که از یک شی در ذهن پدید می‌آید" با توجه به این تعریف، در ادامه مشخص خواهد شد که از منظر اسلامی، چهار مولفه در تکوین و سپس ادراک معنای آثار معماری موثر هستند که عبارتند از: مولف (معمار)، مخاطب، کالبد اثر و زمینه‌ای که مخاطب در آن با اثر مواجه می‌شود. البته برخی از این مولفه ها فقط در مقام تاویل (بازخوانی) معنا موثرند و در مقام تکوین (شکل‌گیری) نقشی ندارند که در ادامه به این مهم اشاره خواهد شد. [11]

محتوای یک اندیشه را بسته به خلاقیت و توان عملی معمار می‌توان با کالبد و صور متعدد، به صورت نسبی و در درجات مختلف متحقق نمود. این درجات تحقق همان چیزی است که سنت‌گرایانی همچون اردلان نیز بر آن تاکید می‌ورزند. "اردلان در بخشی از کتاب حس وحدت که به آن درجات تحقق نام نهاده است شهر را دربرگیرنده صور مادی گوناگون معرفی می‌نماید [13] درجات تحقق محتوا (معنا) در صورت و کالبد آثار هنری و معماری، موضوعی است که خود متأثر از درجات مختلف حیات انسانی است. "انسان فقط در مرتبه نفس خود محدود نمی‌شود بلکه مراتب و مدارجی دارد برتر از نفس که همان قلب یا روح و غیره است. اما اگر نفس در حین عمل دارای استقلال باشد و متأثر از مراتب برتر و بالاتر وجود نباشد، اثری که با این حالت به وجود آورده می‌تواند به نفسانیت توصیف بشود ولی در هنر دینی نفس هنرمند چنین نیست. نفس او در واقع یک مرتبه نازله از وجود اوست و در نتیجه می‌باید از قوای برتر وجود او متأثر شود [14] لذا بسته به مرتبه نفسی که معمار از آن در خلق اثر خود بهره می‌جوید و ایده های خود را از آن نفس الهام می‌گیرد، کیفیت و درجه تحقق معنا در کالبد اثر نیز متغیر است. هرچه نفس معمار متعالی‌تر باشد درجه تحقق معنا در کالبد اثر در مرتبه‌ای بالاتر متصور خواهد بود.

معنا از طریق معماری نمیتواند بدون شناخت زبان معماری شکل گرفته و در هر جامعه ای صورت گیرد. نشانه‌ها قراردادهای اجتماعی هستند که با گذشت زمان و پذیرفته شدن در جامعه به‌عنوان زبان غیر کلامی به کار گرفته شده اند ریشه این نشانه‌ها همچون ریشه واژگان در زبان طول عمرهای گوناگون و دیرپایی دارد و نشانه‌های قدیم در اثر تحول جامعه متحول شده و نشانه‌های جدیدی نیز به وجود آمده اند. از این رو شناخت زبان معماری ساری و جاری در درون یک فرهنگ در درون یک جامعه و در مقیاس عمومی تر زبان معماری در میان انسانها برای یک معمار و شناخت معماری ضروری است و دانش معناشناسی معماری به این امر کمک میکند. [15]

مخاطب برای استنباط معنای درست و مضبوط اثر، بایستی تا جای ممکن با ابزارهای مناسب از دخالت‌دادن صرف پیش‌فهم های خود در بازخوانی معنای اثر اجتناب ورزیده، معنایی که حاصل رویکردی مغایر با این رویکرد باشد نتیجه تفسیر به رأی مذموم است. "در تفسیر به رأی مذموم، تفسیرگر فقط پیش‌فهم خود را اساس قرار می‌دهد. اما در تفسیر به رأی مقبول، اگر چه پیش‌فهم خود را در تفسیر دخالت می‌دهد ولی می‌کوشد آن را با ابزار خاصی چون اجماع مهار کند [14].

گاه با این تجربه مواجه شده‌ایم که با حضور در یک فضای معماری به افراد احساسات مختلفی دست داده است. حضور در یک فضا برای فردی با احساس شادی و برای دیگری با غم همراه بوده است. فضاهایی نیز وجود دارند که برای افراد یک جامعه

دارای معانی نسبتاً مشترک هستند. به‌عنوان مثال نشانه گنبد و مناره برای مسلمانان نشانه فضای مسجد از بیرون است. به هنگام سفر به سرزمینهای دیگر بی آنکه زبان مردم آن سرزمین را بدانیم از شهرها و بناهایشان لذت می‌بریم آن‌ها را درک می‌کنیم و می‌ستاییم از بناهای آن سرزمین عکس می‌گیریم، خاطره می‌سازیم و برای هم زبانان خود تعریف می‌کنیم حتی می‌فهمیم که از کدام ساختمانها یا فضاها خوشمان نیامده است [12]

با توجه به مولفه‌های چهارگانه موثر بر معنا (شامل معمار، مخاطب، کالبد و زمینه)، این معمار است که ابتدا و در مقام تکوین، روح معنا را با ایده خود در کالبد اثر می‌دمد. پس رکن اصلی در تکوین و شکل‌گیری معنا، معمار است؛ حال آنکه رکن اصلی در تاویل معنا، کالبد (متن اثر) است؛ زیرا این کالبد و متن اثر است که حلقه اتصال سایر مولفه‌ها در فرآیند اگر تاویل است و اصولاً کالبدی در میان نباشد گفتمانی بین سایر مولفه‌ها شکل نخواهد گرفت. پس از منظر اسلامی، معنا در مقام تکوین، مولف محور و در مقام تاویل، متن محور است. [9]

۳- یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در مقاله روش شناخت چند دانشی معماری و مزایای بهره‌گیری از آن عبارتند از:

۱. افزایش کارایی: استفاده از روش شناخت چند دانشی معماری منجر به افزایش کارایی سیستم‌ها و کاهش هزینه‌ها می‌شود. این روش بهبود قابلیت اطمینان، کارآمدی و عملکرد سیستم‌ها را فراهم می‌کند.
 ۲. افزایش اطلاعات: با استفاده از روش شناخت چند دانشی، سامانه‌ها قادر به جمع‌آوری و تحلیل داده‌های بسیار بزرگ و پیچیده هستند که منجر به افزایش دقت و صحت تصمیمات مورد نظر می‌گردد.
 ۳. تصمیم‌گیری بهتر: استفاده از روش شناخت چند دانشی منجر به تصمیم‌گیری بهتر و هوشمندانه توسط سامانه‌ها می‌گردد. چرا که اولاً مشخص شد که با توجه به برآیند تاثیر مولفه‌های اعتباری و حقیقی مختلف، هر سه وجه مثلث شناخت یعنی مولف اثر، مخاطب اثر و کالبد اثر در کنار زمینه (محیط) در فرآیند بازخوانی معنای اثر ذی‌سهم هستند؛ اما بازخوانی معنا توسط مخاطب، چه مبتنی بر قوای حسی باشد و چه مبتنی بر قوای عقلی یا شهودی، دامنه معنا در آثار معماری، دامنه باز نیست بلکه دامنه‌ای مطلقاً ای محدود است که این محدودیت به‌نسبتاً دلیل وجود عامل مشترکی به نام فطرت میان همه انسان‌ها است.
- بسته به اینکه کدام یک از نفوس انسان برای معناپردازی یا معناخوانی اثر، در بستر فطرت فعال شود، رویکرد حاصله، استقرایی یا استنباطی خواهد بود که در اولی تکوین یا تاویل معنا مبتنی بر قوای حسی و در دومی، تکوین یا تاویل معنا مبتنی بر قوای عقلی و شهودی است.
- روش شناخت چند دانشی یک رویکرد مهم در معماری است که به معماران این امکان را می‌دهد تا از دانش‌های مختلف و گوناگون در طراحی و ساخت ساختمان‌ها استفاده کنند. این روش به معماران این امکان را می‌دهد تا با ترکیب دانش‌های فنی، هنری، فرهنگی و اجتماعی، طرح‌های خلاقانه و کارآمد بسازند.
- به‌عنوان یک روش شناخت، چند دانشی به معماران این امکان را می‌دهد تا با استفاده از دیدگاه‌های گوناگون، به حل مسائل پیچیده و چالش برانگیز در زمینه طراحی ساختمان بپردازند. با تلفیق دیدگاه‌های فضای عمومی، فضای خصوصی، نورپردازی، سبک ساختار و ...، معماران قادر خواهند بود تا طرح‌های منحصر به فرد و جذاب بسازند که همچنین نظام مناسب حفاظت از محیط زیست رابطه با جامعه علی‌الدیکورات جدید.
- شناخت چند دانشی معماری به معنای داشتن دانش و تجربه در زمینه‌های مختلفی از جمله طراحی ساختمان، سازه‌های فلزی و بتنی، اصول نورپردازی، استفاده از فضاها، باز و بسته، استفاده از مواد ساختمانی و تأثیرات آن‌ها بر محیط زیست و ... است. بهره‌گیری از روش شناخت چند دانشی معماری به معماران این امکان را می‌دهد که با توجه به دانش و تجربه‌های گوناگون خود، طرح‌های منحصر به فرد و کارآمدتری را برای پروژه‌های خود پیدا کنند. همچنین، این روش به آن‌ها کمک می‌کند تا با چالش‌های پروژه‌های خود در قالب یک تجربه جامع و همگانی روبرو شده و راهکار مناسب برای حل آن پیدا کنند.

۱. مطالعه و تحلیل آثار معماری: این روش شامل مطالعه و تحلیل آثار معماری مختلف از گذشته تا کنون است، به منظور درک اصول و الگوهای معماری و همچنین تاثیرات فرهنگی، اجتماعی و فنی بر طراحی و ساختمان‌ها.

۲. بررسی نقش و تأثیر فضا: در این روش، تحلیل نقش و تأثیر فضا بر کاربران و جامعه در نظر گرفته می‌شود. این شامل بررسی عوامل مختلف از جمله نورپردازی، فضای باز، فضای سبز، سطح پذیرش و... است.

۳. بررسی تکنولوژی‌های نوین: با پیشرفت تکنولوژی، روش‌های جدید در طراحی و ساختمان‌داری به کار گرفته می‌شود. شناخت این تکنولوژی‌ها و استفاده از آن‌ها در طراحی معماران را قادر به خلق ساختمان‌های هوشمند، پایدار و کارآمد می‌کند.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری مقاله، به این نتیجه می‌رسیم که روش شناخت چند دانشی در معماری، مزایای بسیاری دارد. این روش به معماران امکان می‌دهد تا از دانش‌های مختلف در زمینه‌های مختلف بهره ببرند و ایده‌های نوآورانه و خلاقانه‌ای را برای طراحی و ساخت ساختمان‌ها ارائه دهند. همچنین، استفاده از روش شناخت چند دانشی منجر به بهبود فرآیندهای طراحی و ساخت، کاهش هزینه‌ها و زمان تحویل پروژه، و افزایش کارایی و کیفیت ساختمان‌ها می‌شود؛ بنابراین، استفاده از روش شناخت چند دانشی در معماری، باعث بهبود عملکرد صنعت ساخت و ساز و افزایش رضایت مشتریان خواهد شد. انسان‌شناسی به جهت چگونگی انعکاس مضمون زندگی در معماری و معناشناسی برای شناخت حالتها و معانی پنهان معماری انتخاب شد. دانش گونه‌شناسی نیز این امکان را فراهم آورد تا فهم فرم فضا در درون یک زندگی که همه ابعاد مادی و معنوی انسان را شامل می‌شود و در درون بستر مکانی سرزمین ممکن شود.

با استناد به آنچه که طی این پژوهش براساس آموزه‌های اسلامی بیان شد، تایید فرضیه‌های سه‌گانه نظریه "معناشناسی در آثار معماری" را می‌توان استنتاج نمود. چرا که اولاً مشخص شد که با توجه به برآیند تاثیر مولفه‌های اعتباری و حقیقی مختلف، هر سه وجه مثلث شناخت یعنی مولف اثر، مخاطب اثر و کالبد اثر در کنار زمینه (محیط) در فرآیند بازخوانی معنای اثر ذی‌سهم هستند؛ اما بازخوانی معنا توسط مخاطب، چه مبتنی بر قوای حسی باشد و چه مبتنی بر قوای عقلی یا شهودی، دامنه معنا در آثار معماری، دامنه باز نیست بلکه دامنه‌ای مطلقاً ای محدود است که این محدودیت به نسبتاً دلیل وجود عامل مشترکی به نام فطرت میان همه انسان‌ها است. چنانکه میتوان معماری را به اجزایی همچون مصالح ایستایی، زیبایی‌کارایی، سلامت، سقف، کف، دیوار و اجزایی از این دست تجزیه کرد اما مشکل روش تجزیه چگونگی تجمیع دستاوردها و فهم جوهر پدیده پس از تجزیه است.

منابع

1. Groat LN, Wang DC. Architectural research methods. Eynifar AR, translator. Tehran: University of Tehran; ۲۰۰۸. [Persian]
2. Malek N. A Comparative study of methodology and theory from the perspectives of quantitative and qualitative researches focusing on theorization in architecture. J Motaleate-e Tatbighi-e Honar. ۲۰۱۳;3(5):117-28. [Persian]
3. Moore GT. Toward environment-behavior theories of the middle range. In: Environmental Design Research Association, contributor. Advances in environment, behavior and design. 4th Volume. New York: Plenum Press; 1997.
4. Qayyoomi M. Theory structure and a primer in theory construction. Soffeh. 2005;(40):122-39. [Persian]
5. Javadi Amoli A. The subject commentary on the Holy Quran: Epistemology in the Quran. 13th Volume. 7th Edition. Qom: Asra; 2011. [Persian]
6. Parsania H. Molla Sadra's philosophy of critical methodology. Qom: Ketabe Farda; 2012. [Persian]
7. Motahhari M. Introduction to Islamic sciences. Qom: Islamic Publications Office; 1982. [Persian]
8. Javadi Sasani A. Hadj wine. Qom: Asra; 2003. [Persian]
9. Seyyed Razi M. The pinnacle of eloquence (Nahj al-Balagha). Beirut: Dar al-Osveh Press; 1994. [Arabic]
10. Majlesi MB. Seas of lights (Bihar al-Anwar). 1st Volume. Beirut: Vafa Press; 1982.
11. Chiang, K.C.H., Wachtel, G.J. & Zhou, X. (2019). Corporate Social Responsibility and Growth Opportunity: The Case of Real Estate Investment Trusts. J Bus Ethics 155, 463–478.
12. Chakkappanthodiyil Namitha & Santhakumar Shijin (2016) Managerial discretion and agency cost in Indian market, Advances in Accounting Volume 35, December 2016, Pages 159-169.
13. Cheng-Han Wu (2016) Collaboration and sharing mechanisms in improving corporate social responsibility (csr) Central European Journal of Operations Research volume 24, pages 681–707.
14. A'vani GR. Spiritual wisdom and art. Tehran: Garoos; 1997. [Persian]
15. Sasani F. Effective factors on text interpretation & perception [Dissertation]. Tehran: University of Allameh Tabatabaie; 2003. [Persian]

Studying the performance of multi-knowledge recognition method with architecture and the benefits of using it in design

Peyman Karamali

Doctoral student of architectural engineering, Boroujard Azad University, Lorestan, Iran

Abstract

An article that deals with the multi-knowledge method of architecture, examines the methods that use the combination of different knowledge for the design and development of architecture. These methods use different knowledge including empirical knowledge, logical knowledge and process knowledge to achieve improvement in architecture performance and efficiency. In this article, the advantages of using the multi-knowledge recognition method in architecture are highlighted and how to improve the performance, reduce the cost and development time of the systems by using this method. In order to understand the hidden and visible layers of Iran's architecture, multi-knowledge is needed. To achieve this goal, we must examine 3 factors, which are: typology, anthropology and semantics of architecture. Type and typology is one of the important topics of architecture in the contemporary period. Perhaps, in terms of importance, this topic can be placed next to two other important theoretical topics of architecture, i.e. space and shape. Species and typology has been used in various sciences, including architecture, for about two hundred years. Anthropology is the most scientific field of human sciences, and according to this definition, the built environment that we, as humans, have created and live in. Creator of our life. This built space is based on our limited intellectual power, which means that throughout the history of human life, based on the amount of his knowledge and technology, he has been able to create an artificial environment in which he can live, and whenever his knowledge and technology allow, he can create a more suitable environment for life. The semiotics of architecture is one of the ways to understand and discover meaning in the study of the "texture" or "context" of the human life environment, so architecture is taken as a; And the signification of the signs and meanings in it is analyzed. By using these 3 sciences with the way of life, beliefs, rituals, patterns and behavioral habits of the culture of using objects and also in relation to their meanings in the context of the culture of the land for a society and in the psychological field for every human being.

Keywords: Architecture, typology, anthropology, semantics of architecture, multidisciplinary architecture
